

دانشجو ذخیره حیاتی کشور است





مقام معظم رهبری:

دانشگاه فرهنگیان یکی از مراکز
بسیار مهم است که باید برای
توسعه کمی و کیفی آن هر آنچه
که می توان، سرمایه گذاری کرد.

اردیبهشت ۱۳۹۵



- ۱ سخن سردبیر
- ۱ شناسنامه
- ۲ مصاحبه با مدیران مدارس
- ۳ اصول نامه نگاری اداری
- ۴ سیری در آموزش و پرورش
- ۵ حدیث عشق
- ۶ دلنوشته دانشجویی ۱
- ۶ دلنوشته دانشجویی ۲
- ۷ دایره المعارف دانشجویی
- ۷ سفرهای انسان
- ۸ حسش نیست
- ۹ یک جرعه کتاب

راه های ارتباطی با ما:

سردبیر : @seyedm_sm

کانال بسیج پردیس امام محمد باقر (ع)

@Basij_DFB

کانال بسیج پردیس امام جعفر صادق (ع)

@Basijdfb

سخن سردبیر

تثناستامه اثر

بسیج امتیاز :
فرهنگیان خراسان شمالی
مدیر مسئول : حامد رحیمی
سردبیر : سید محمد موسوی
مدیر هنری : سجاد اسعدی
امیر تحریریه:
وحید ایمانی
فاطمه حسینی
سید محمد شفیع
فاطمه حسین صامتی
مهدی محمد خواه
سید سجاد موسوی
سید محمد موسوی
الهام نعمتی

حمد و ثنای بی شائبه بر ساحت کبریای واجب الوجودی را سزااست که جمیع علوم و حکمت ها، وامدار خزانه بی حد و حصر اوست. مفتخریم تحت حمایت و عنایات حق تعالی و مدد هیئت محترم تحریریه، سومین شماره نشریه بسیج دانشجویی صریر را همگام با روز دانشجو تهیه و تدوین کرده و تقدیم به ساحت دیدگان پرمهرتان کنیم.

دانشجو و بدنه دانشگاهی، موتور محرک یک کشور است. مخصوصا اگر آن دانشجویان قرار باشد وظیفه خطیر و مهمی چون تعلیم و تربیت نسل فردای جامعه را برعهده داشته باشند. در این صورت باید گفت زمینه سازی تمدن نوین اسلامی و نیل به سوی تحقق حیات طیبه فردای میهن اسلامی مان رسالت عظیم دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است. و خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

در پایان بر خود لازم می دانم از تمام همکارانی که با وجود مشغله فراوان ما را در مهیا سازی این شماره یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. مشتاقانه چشم به راه نظرات شما عزیزان هستیم و اعلام می داریم تیم صریر علاقمند به هر گونه همکاری و همیاری با شما عزیزان می باشد.

سید محمد موسوی



نظر مدیران مدارس شهرستان بجنورد
در خصوص کارورزی و دانشجو معلمان کارورز



جناب آقای اصغر عقیقی، مدیریت محترم دبستان محقر: در کارورزی دانشجو معلمان از تجربیات همکاران حاضر در مدرسه استفاده می کنند. مشاهده اتفاقات کلاس درس بسیار مثرثمر است. همچنین استفاده از نقطه نظرات معلمان حاضر در مدرسه مفید واقع خواهد شد. دانشجویان توجه داشته باشند که آنچه در محتوای کتب درسی دانشگاهی فرا می گیرند، همیشه از آموزش و پرورش و مدیریت کلاس درس یک مدینه فاضله ترسیم می کند. اما در حقیقت این طور نیست. کارورزی فرصت بسیار مناسبی برای آشنایی با فضای حاکم بر مدرسه و البته کسب تجربه در این خصوص می باشد.

سرکار خانم سکینه محمد پور، معاونت محترم پرورشی دبستان پاسداران: با عرض سلام و خداقوت و آرزوی توفیق روز افزون برای همه دانشجو معلمان عزیز و محترم که جامعه فرهنگیان آینده را تشکیل می دهند. لازم به ذکر است این عزیزان دانشجویانی محترم، با اخلاق، مودب، بسیار خوش پوش و خوشرو و ساعی هستند در انجام وظیفه خود پر تلاش بوده و سعی می کنند که در مراحل مختلف تعلیم و تربیت کسب تجربه کنند. توصیه می کنم که این عزیزان تلاش کنند تا به موقع در کلاس درس حاضر شوند. در نهایت امید است که در عرصه تعلیم و تربیت موفق و پیروز باشند.

سرکار خانم ثابت قدم، مدیریت محترم دبستان مشکات: احتراماً به استحضار می رساند حضور دانشجو معلمان کارورز در مدارس خوب می باشد زیرا از تجربیات همکاران استفاده می نمایند و حس مسئولیت پذیری و اعتماد به نفس آنان تقویت می شود و با نحوه برخورد با دانش

جناب آقای علی بادلی، مدیریت محترم دبستان وحدت ۲: در یکی دو سال اخیر ارتباط خوبی با دانشگاه فرهنگیان داشتیم که البته تاکنون بیشتر جنبه آموزشی و استفاده از کلاس درس، عمده فعالیت کارورزان را در بر می گرفته. پیشنهاد می گردد که بخشی از فعالیت کارورزان به دیگر مراحل و جنبه های آموزش و پرورش از جمله: فعالیت های پرورشی، مدیریتی، کار باسیستم، کار تابل، درگاه های موجود و حتی مدیریت یک مجموعه اختصاص پیدا کند. از ارتباط موجود رضایت دارم و آرزوی موفقیت برای همه کارورزان دانشگاه فرهنگیان می کنم.

جناب آقای عباس قدیمی، مدیریت محترم دبستان شاهد ولی عصر (عج): حضور دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در مدارس به منظور گذراندن دوره کارورزی اتفاق مبارکی است که باعث آمادگی آن ها از هر حیثی خواهد شد. حضور در فضای کلاس درس، اجرای عملیاتی روش های تدریس و مشاهده مجموعه رویداد های مدرسه باعث ساخت ذهنی و روانی کارورزان می شود. به دانشجویان دانشگاه فرهنگیان توصیه می کنم که کارورزی را جدی بگیرند و همچنین پیشنهاد می شود که به صورت گروهی حتماً از کلاس های چند پایه نیز بازدید داشته

آموزان و روش های مختلف تدریس به صورت عملی آشنا می شوند.

سرکار خانم نامور، معلم محترم پایه دوم مدرسه مشکات: از آنجایی که همیشه تجربه بزرگترین معلم انسان بوده است، در همین راستا برای همکارانی که هنوز در اول راه بوده و راه طولانی در پیش دارند، بسیار الزامی است که در کنار معلمان پیشکسوت بوده و از تجارب ایشان استفاده کنند تا در کلاس های خود بتوانند آموزش را با تجربه همراه نمایند و فراگیران را هر چه بهتر و بهتر آموزش دهند.

سرکار خانم فرزاد پور، معلم محترم پایه ششم دبستان پاسداران: در این چند سال که در بجنورد مشغول به کار هستم، شاهد حضور دانشجو معلمان کارورز در کلاس درس هستم. بعضی از دانشجویان بسیار فعال هستند و حضور کارآمدی در کلاس دارند. شما نظر بنده را خواستید؛ بعضی از دانشجویان از هم اکنون مشخص است که آینده روشنی در شغل آینده خود دارند و در کلاس به صورت فعال مشارکت دارند.

اصول نامه نگاری

کنیم. -مهلت پاسخگویی و آثارموضوع را یادآوری کنیم.
۱- امضا نامه: امضا نشانه پایان نامه است و نامه ها با امضا اعتبار می یابند. نامه های اداری را بالاترین مقام مسئول و در غیاب او معاون و یا هر مقام مسئول که حق امضا دارد، امضا می کند.
محل امضا در سمت چپ نامه است و نام و نام خانوادگی امضا کننده، بالای پست سازمانی وی نوشته می شود.

۱- رو نوشت: برخی نام های اداری علاوه بر گیرنده اصلی به واحد های دیگر نیز به دلایل خاصی جهت اطلاع یا پیگیری و اقدام ارسال می شود
- نامه اگر درخواستی باشد «جهت آگاهی» به افراد رونوشت می شود و
- اگر جنبه ی امری داشته باشد «جهت اقدام»

۱۲- نشانی: در تمامی سربرگ ها نشانی دقیق پستی، صندوق پستی، پایگاه اینترنتی، شماره تلفن و نامبر و رایانامه اداره مربوط ذکر می شود. در صورتی که سربرگ نشانی پستی ندارد تایپيست می تواند آنها را به فاصله نیم سانت از پایین کاغذ، با قلم متفاوت بنویسد.

منبع: آیین نگارش و ویرایش، دکتر حسن ذوالفقاری



در نامه هایی که اشخاص به سازمان یا واحد بالاتر می نویسند «از» و «به» ذکر نمی شوند و فقط نام و عنوان سازمانی گیرنده می آید. در نگارش مخاطب نامه بهتر است ابتدا شخصیت حقیقی فرد سپس شخصیت دقیق حقوقی وی ذکر گردد.

در استفاده از عناوین و القاب نباید زیاده روی کرد و بایستی به کمترین و ساده ترین آن بسنده نمود.

۷- موضوع نامه: موضوع نامه در واقع طرح فشرده ی نامه و درون مایه ی آن است که باید گویا، کوتاه و رسا باشد.

۸- آغازنامه: شروع نامه با کلمات احترام آمیز پسندیده است و نوع آن به ذوق نویسنده و موقعیت مخاطب بستگی دارد. در عرف نامه نگاری بجای استفاده از اول شخص از سوم شخص استفاده میشود چون کاربرد احترام آمیزتر دارد.

۹- متن نامه:

۹-۱- مقدمه: غرض از مقدمه آماده ساختن ذهن گیرنده نامه و جهت دهی ذهن او به سوابق نامه است، مقدمه هر نامه با نامه دیگر متفاوت است.

۹-۲- پیام اصلی: مهم ترین بخش هر نامه پیام اصلی آن است که هسته اصلی نوشته محسوب میشود. رسیدگی به نامه و گرفتن پاسخ مثبت در گرو تنظیم درست و بیان پیام اصلی است، بدین منظور - مختصر بنویسید و جملات را بی دلیل طولانی نکنید. - هر نوشته را به یک موضوع اختصاص دهید. - گویا، رسا و بدون ابهام بنویسید. - چابک و روان، ریاضت و تعارفات در مبالغه های تحقیر آمیز را کنار بگذارید. - صریح و قاطع بنویسید، نامه های دو پهلو، محافظه کارانه و کلی، گره گشا نیستند.

۹-۳- پایان نامه: عبارات پایانی نامه را سپاس و تشکر، توفیق برای گیرنده، درخواست تسریع در کار و ارسال پاسخ تشکیل می دهند. در پایان نامه بهتر است: - بر آنچه خواسته ایم تاکید کنیم. - گیرندگان را به انجام کارمان تشویق

پروانچه، تعلیقه، رقع، عریضه، قرطاس، مراسله، مشافهه و... از معانی واژه پهلوی نامه یا همان نامک می باشند. نامه نگاری اداری به کلیه مکاتباتی گفته می شود که در اداره ها و سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی نوشته و رد و بدل می شود. در اهمیت نامه نگاری اداری گذشته از آن که تمامی اشکال ارتباط، در قالب نامه است و نوشتار آسان ترین، کم هزینه ترین، مطمئن تری، محترم ترین و با دوام ترین وسیله ارتباطی است، همین نکته بس که نامه های اداری مهم ترین اسناد اداری هستند و می توان آن ها را در مقام دعوی یا دفاع به عنوان سند ارائه کرد.
نامه ها در هر سطح، نوع و عنوانی باشند از اجزایی تشکیل شده اند:

۱- نام خدا: در نامه های اداری بیشتر از «باسمه تعالی» استفاده می شود

۲- نشان سازمانی: محل قرار گیری نشان سازمانی در ادارات مختلف متفاوت است اما اغلب در سمت چپ می آید.

۳- مشخصات دفتری:

۳-۱- حاشیه های خالی: از بالا ۴، از پایین ۳، از راست ۴ و از چپ ۲ سانتی متر می باشد.

۳-۲- قطع و اندازه:

A3: (۲۹۷×۴۲۰) میلی متر ، بدون سربرگ اند و برای تهیه ی جدول نمودار و نقشه به کار می روند.

A4: (۲۹۷×۲۱۰) میلی متر، نامه هایی که از ۵ سطر برگه ی ۴۴ بیشتر هستند.

A5: (۱۴۸×۲۱۰) میلی متر، نامه هایی که از ۵ سطر صفحه ۸۴ کمتر اند.

A6: (۱۵۰×۱۴۸) میلی متر، بدون سر برگ و برای نامه نگاری درون سازمانی

۵-۶- عنوان (فرستنده و گیرنده): عنوان فرستنده و گیرنده در نامه های اداری به دو شکل می آیند که هر دو صحیح اند و بستگی به عرف آن سازمان دارند:

۵-۶-۱- از (فرستنده) به (گیرنده)

۵-۶-۲- به (گیرنده) از (فرستنده)



دوستان عزیزم؛ اگر می خواهید متن را نیمه کاره رها کنید یا اگر می خواهید کامل بخوانید اما اهل تامل نیستید، لطفاً از این متن عبور کنید چون در هر دو صورت باعث کج فهمی و بد فهمی خواهد شد. همچنین قسمت های عمده ای از این متن حاصل برداشت از کتاب مبانی توسعه تمدن غرب شهید سید مرتضی آوینی است.

امروزه غرب گرایی که متأسفانه در دنیای امروزی تاحدی مورد قبول عوام قرار گرفته؛ بشر را صرفاً از دریچه نیازهای مادی دنیایی اش بررسی می کند و بنی آدم را موجودی تک بعدی می داند که کارش خوردن و خوابیدن و تکثیر نسل است. یکی از جاهایی که مورد نفوذ این تفکر قرار گرفته نظام آموزش و پرورش است، آموزش و پرورش که ما به دلیل عدم دقت های عقلی امروزه آن را مترادف تعلیم و تربیت می دانیم درحالی که تعلیم و تربیت به معنای دقیق آن یعنی کامل شدن مکارم اخلاق؛ متصف شدن به صفات الهی؛ به عبارتی غایتی کاملاً تکاملی و اخلاقی دارد؛ اما آیا نظام آموزشی حال حاضر هم چنین هدفی را دنبال می کند؟ خیر پس هدف بخش آموزشی جهان امروز که تقلیدی از مغرب زمین است چیست؟ پاسخ کوتاه است؛ توسعه اقتصادی و رفاه مادی. فهم اینکه امروزه آموزش درجهت گسترش رفاه اقتصادی است سهل ممتنع است برای تسهیل درک این موضوع؛ نظامی آموزشی را فرض کنید که آرمان

نهایی اش تکامل روحی و اخلاقی است، سنگ بنایش اعتقاد به ماورا و معاد است با این فرض دو تحول اساسی داریم اول در محتوایی است که به خورد دانش آموزان می دهیم و دوم در شیوه و روش تعلیم این محتواست.

ایوان ایلیچ یکی از روشنفکران غربی می نویسد: برای آنکه مساله آموزش و مدرسه تمام اهمیت خود را پیدا کند باید آن را درکل جامعی ای که مذهب یا ایدئولوژی حاکم بر جهان است مورد بررسی قرار داد این مذهب جدید که کشورهای پیشرفته صنعتی قافله سالاران آن اند و کشورهای عقب مانده دیوانه وار می کوشند تا به هر وسیله شده از سعادت نیل به آن محروم نمانند، آرمان رشد و توسعه است؛ مشاهده نشان می دهد که این آرمان مورد نظر و خواست تمامی کشورهای صنعتی بزرگ و نیز منتهای آرزوی ممالک پس قافله است. آرمان که پذیرفته شد دیگر به عهده علم است تا راه منحصر به فرد این رشد و توسعه را با تکیه بر اصول متعارف و بدیهیاتی که هیچ کس درباره آن ها شک نمی کند تا کوچک ترین جرئیات تعیین و تحمیل کند انتهای رشد و توسعه مصرف بی کران است مصرف بی کران همان مدینه رشد و توسعه مصرف بی کران است. مصرف بی کران همان مدینه فاضله و کمال مطلوب بشری است که در دوره های ما قبل علم به صورت تخیلی زندگی جاودان وجود داشت.

متوجه موضوع شدید؟ وقتی غایت توسعه اقتصادی است، نظامی آموزشی باید تشکیل شود تا نیازهای تخصصی این توسعه را تامین کند با این فرض دیگر دروس رسمی امروز قابل نقد نیستند چرا که علوم امروزی دانش تصرف درعالم و غلبه بر طبیعت هستند. طبق این سیستم دانش آموز از همان آغاز باید با ریاضیات و هندسه و حساب استدلالی و شیمی و آمار آشنا شود اما حالا آیا لزوماً بعد این دوره طولانی آموزش متکامل تر می شود؟ خیر چون نظام آموزشی برای تکامل روحی طراحی نشده بلکه تشکیل شده تا افراد در آن مهارت های لازم برای رسیدن به رفاه اقتصادی را بیاموزند. این سیستم آموزشی چون معلول گرایش بشر به مادی گرایی و رفاه بیشتر است به ناچار باید در آن علمی تعلیم شود که راه رسیدن به این غایت را هموار می کند. اگر بخواهیم این روند را حفظ کنیم به ناچار باید

نیازهای آن را برآورده سازیم. فدا کردن اعتبار، شخصیت و حرمت انسانی به پای بت علم و تکنولوژی سوغات بزرگ تمدن مصرفی غرب است و مدرسه مأمور اجرای این مراسم قربانی است. البته نباید این برداشت شود که توسعه و رفاه مادی با تزکیه نفس و تکامل روحی ضدهم اند و قابل جمع باهم نیستند. بلکه نمونه هایی در طول تاریخ و درسیره اولیا بوده که جامع این دو بوده اند رفاه مادی فی نفسه امری نکوهیده نیست یکی از برنامه های حکومت اسلامی هم تلاش برای توسعه بخشیدن به معاش مردم است اما مشکل اینجاست که آیا توسعه اقتصادی با این شیوه رایج به تکامل روحی منجر می شود؟ اصلاً آیا رفاه مادی برای چنین هدفی پایه ریزی شده است؟ یا خود به تنهایی غایت و هدف است؟ مساله اصلی این است که رفاه مادی در جامعه امروز خود به تنهایی به عنوان هدف قرار گرفته است نه به عنوان وسیله ای برای رسیدن به کمال بشری.

خلاصه مطلب اینکه امروز عصر دیکتاتوری اقتصاد است و آموزش و پرورش هم از سلطنت اقتصاد آزاد نیست اما از آن جایی که کمال انسانی لزوماً در توسعه اقتصادی نیست اگر ما غایت تعلیم و تربیت را تعهد و اخلاق و کمال انسانی بدانیم این نظام آموزشی، نظامی پسندیده نیست بلکه حتی در اکثر موارد نتیجه معکوس دارد. متأسفانه در جمهوری اسلامی هم به جز برهه ۱۰ ساله ابتدای زندگیش؛ از بعد اتمام جنگ تا کنون کسانی سکندار آموزش و پرورش بوده اند که غالباً تعلیم و تربیت را با بنگاه اقتصادی اشتباه می گرفتند و منتهای فکرشان یک کلمه بوده است: اقتصاد و اقتصاد و اقتصاد. برای تایید این سخن کافی است در تصمیمات و ادبیات برخی از مسئولین مربوطه دقت کنیم آنجایی که سخن از تقویت مدارس غیردولتی به بهانه کاهش هزینه های دولت و همچنین مشارکت مردم در امر آموزش می زند یا آن جا که سخن از خرید خدمات آموزشی و کاهش تنوع مدارس (بخوانید حذف مدارس دولتی و تقویت مدارس غیردولتی) می زند. دوست و همکار خوبم! این وضع آشفته آموزش و پرورش است که قرار است در آن جوانی مان را سپری کنیم حالا این نوبت ماست که با مطالعه و فهم عمیق و دقیق مسائل نظام تعلیم و تربیت اقدام به معالجه آموزش و پرورش کنیم و نظام آموزشی کشور را از دست کسانی که به چشم یک بنگاه اقتصادی به آن می نگرند برهانیم تا بتوانیم نسلی را در آینده تربیت کنیم که برای رفاه مادی و توسعه زندگی دنیایی اش، نه آینده تربیت کنیم که برای رفاه مادی و توسعه زندگی دنیایی اش نه تنها تلاش می کند بلکه از آن بهره هم می برد اما غایت و هدفش تکامل روحی و اخلاقی خویش است و به اقتصاد و مادیات به چشم ابزار و وسیله ای برای رسیدن به آرمانش می نگرد.



حداکثر

بر مشتمل
بر دل ترسم بماند آرزوی وصل یار
تشنه دیدار یارم معصیت مهلت بده
تا نیمیرم در رکابش با کمال افتخار

در این کلام کوتاه هرگز نمی گنجد پس بیا با هم
قطره ای از آن دریای بیکران رحمت خداوند در
عصر ظهور را در جامعه پدیدار کنیم و با تقوای
عملی و بصیرت و تبلیغ صحیح فرهنگ مهدویت
گامی در جهت تحقق آرمان شهر صاحب
الزمان (عج) برداریم. به آن امید که روزی در
رکابش جان نثاری کنیم و با گل لبخند زیبایش
بدرود حیات بگوییم ان شاء الله.

قلم را به سخن ییاوری باز هم حشش را در این
مقطع کوتاه نمی توانی ادا کنی! اما بگذار کمی از
آن جامعه بگویم که حداقل اینطور هم که شده
منتظر فرجش باشیم و شب و روز برایش دعا کنیم!
امام باقر(ع) در توضیح عصر ظهور می
فرمایند: «زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را
بر سر بندگان خواهد نهاد، پس عقل ها و اخلاق
ایشان را به کمال خواهد رساند.» (کمال الدین، ج
۲، ص ۶۷۵، باب ۵۸) یا آنجا که از امام
باقر(ع) نقل کرده اند: «در زمان ایشان [امام
مهدی(عج)] حکمت و دانش به مردم ارزانی می
شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا
و سنت پیامبر(ص) حکم می کنند.» (الغیبه
نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳، ج ۳۰) آن همه زیبایی

اندکی سکوت، تا صدا را بهتر بشنویم. زیاد که
حرف می زنیم صداها به گوشمان نمی رسد.
همان نوایی که بوی غم و غربت دارد و از همان
چیزهایی حکایت می کند که گاهی حواسمان
نیست هستی ما وام دار آنهاست. بیشتر گوش
کنیم؛ خدا ما را به یاد حجت خود در این عصر
دعوت می کند: «یاد کنید میثاق مرا» (مائده/۲۰)
و ما در زیباترین شکل، به میثاق خداوند سلام
می دهیم: «سلام بر میثاق خدا مهدی(عج)
(مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین)
ندایی دیگر نیز گوش را نوازش می دهد اما
عتابی هم در آن دیده می شود که غفلت از یار
را مورد نکوهش و سؤال فردای قیامت می داند
که چرا از او و مرامش غافل بودید؟ «روز قیامت
از نعمت سوال می شود.» (تکاثیر/۱۸) و ما نمی
خواهیم روز رستاخیز بی جواب باشیم و
شرمند...

اصلاً بیاییم جامعه آن زمان را نگاهی ببندازیم،
همان جامعه ای که به معنای واقعی کلمه می
توان آن را «آرمان شهر مهدوی» نامید. همان
جامعه ای که هرچه از برکات و زیبایی هایش

دل‌نواشته

دانشجویی

به پیاپی نش نمونده باشد. ۴ سالگی که دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد. دوره ای که چاشنی جوانی، سرزندگی، شور و نشاط و... می باشد و همراهی حافظه و قلب نیز با آن آمیخته و در آن نفس می کشد. حالا چشم هایت را ببند خودت را معلمی ملول و در مانده میان کلاس درس، روی صندلی کنار پنجره تصور کن که سعی در نشیمن گرفتن پذیرش و تلاش برای رفع ندامت درونت داری وقتی می خواهی مکتوبات آگاهت کند که در این دوره ۴ ساله به تمامی کتابهایی که نخواندی، مهارت هایی که بدست نیاموردی، استعداد هایی که کشف نکردی، روی هایی که دنبال نکردی و احساساتی که بها ندادی مدیونی و در مقابلشان سرافزنده ای و شرمگین... حالا چشم هایت را باز کن...

و مکتوبات آموزشی و از این قبیل موارد که باید حداقل مکان رفع شود و یا کاهش یابد. اما آن چه در این میان به فراموشی سپرده شده چه چیزی است؟ چشم هایت را ببند خودت را معلمی ملول و در مانده میان کلاس درس، روی صندلی کنار پنجره تصور کن که سعی در نشیمن گرفتن پذیرش و تلاش برای رفع ندامت درونت داری وقتی می خواهی مکتوبات آگاهت کند که در این دوره ۴ ساله به تمامی کتابهایی که نخواندی، مهارت هایی که بدست نیاموردی، استعداد هایی که کشف نکردی، روی هایی که دنبال نکردی و احساساتی که بها ندادی مدیونی و در مقابلشان سرافزنده ای و شرمگین... حالا چشم هایت را باز کن...

تو مانده ای ۴ سالگی که شاید چیزی به

باید نوشت. از دوره ۴ ساله ای که شاید در حقش اجحاف شده است. ۴ سالگی که همگی مان یا آن را گذرانده ایم و در حال وداع با آن هستیم یا مشغول شروع و آشنایی و یا در قلب این ۴ سال هستیم. با بیدی ها و خوبی هایش می تیمم و می سازیم. آنچه مطلوب عموم دانشجویان و وظیفه من نویسنده در این بخش نشریه است، بیان محدودیت ها، کمبود ها و مکتوبات دوران دانشجویی است. این مسئله برای همه ما روشن و شفاف است که هر چه از در دهان بنویسیم باز هم کم است و ضروری! باید برای حل آنها، بنویسیم و بنویسیم و بنویسیم... اما اینبار نه همه ما از محدودیت هایمان مطلع و آگاهیم و درگیریم تا این مکتوبات را حل کنیم. مانند مسئله آب، بهداشت، تغذیه، مسائل خوابگاهی و رفاهی و



نویسنده: فاطمه گرمه ای
آموزش الهیات
ورودی ۹۷

دانشجویی

دل‌نواشته



و نه خیال و هوا می ساز، بلکه معلم و انسان ساز قرار داده است و بقول آن عزیزتر از جان، رهبر انقلاب، تو جریان ساز تمدن جهانی اسلام هستی! این چنین است که آن ۴ سال همانند ۴۰۰۰۰ سال را صوری پیش می کنی، تا برسد آن روزی که نهال کوچک انانیت را به تو می سپارند و این تویی که تعیین میکنی، درختی بی بر شود همچون کاکتوس یا درختی پرثمر شود همچون انار...

تو در تو، دشوار تر از حرکت در تونل وحشت است! صف های طویل سلف در روز های دوشنبه را ملوکی که آرزو می کنی جای سرباز روسی اسیر در دست هیتلر در جنگ جهانی باشی و در صف غذا های بخور و نمیر آلمان ها انتظار بکشی، اما آنجا را تحمل نکنی! آن وقت است که تمام آرزو هایت بر سرت آوار می شوند. تا اینجایش را گفتیم، مبدا نصیب کثرت بیابان بشود. از اینجا به بعد اما، الهی که نصیب فرشتگان بشود! اینکه خوانند در میان انبوهی از دانشجویان، دست رحمتش را بر سر تو نهاده است و تو را نه مهندس و ساختمان ساز، نه پزشک و دارو ساز

خدا نصیب کثرت بیابان نکند! آن لحظه نفس گیری را که یک سال تمام، سر درگیر بیان کرده و گوشه عزلت گزیده ای و درس خوانده ای و رتبه ۳ رتبه کنکور شده ای و خون دها خورده ای تا انتخاب رشته کنی و قبول شوی؛ آن وقت روز اول مهر با شوق بسیار و لوازم التحریر نو، از خانه خارج شوی و از زیر قرآن رد شوی و قدم در دانشگاه بگذاری و نظاره کنی ساختمان متروک و مطرود و مضروب را که گویی از ساختمان دستان گذر دستن اش هم محقر تر است! ت می آیی خودت را جمع کنی و به خود آیی، خود را در کلاس هایی مشاهده می کنی که ظرفیتش از کلاس های کودکان چهار راه قبلی، اندک تر است! طوری که خروج از کلاس پس از اتمام ساعت درس، از میان صندلی های

دایره المعارف دانشجویی

متن زیر جنبه طنز داشته و قصد اهانت
به هیچ شخصی را ندارد.

و دست از پا درازتر از آن خارج می
شوی! مکانی برای تکرار جملات: اصلا راه
نداره، امکانش نیست، دست ما نیست، تا
الان کجا بودی؟ و...

تدریس می کند که هم اکنون نویسنده آن
مطالب هفت کفن بلکه هفتاد کفن پوسانده

*درخواست اعتراض به نمره امتحان: است!

فرایندی پلید و زیان بار که در ۹۹/۹۹
درصد مواقع باعث کاهش نمره می شود.

*سلف غذاخوری: آوردگاه هجوم
گرسنگان! کارخانه تعدیل چمن های زائد
دانشگاه

*خوابگاه دانشجویی: در یک کلام: زندان
گوانتانامو!!!

*استاد: قهرمان عرصه روخوانی از اسلاید
های پاورپوینت. از افتخارات این قهرمان و

مدال آور روخوانی آموزش عالی می توان به
تغییر نکردن مطالب درسی اش در طی ۱۵

سال گذشته اشاره کرد. او مطالبی را

*دانشجوی ۱۰ ترمه مشروط: عارف دانش مجوی. این
شخص جزء آثار باستانی دانشگاه محسوب می شود. به
این فسیل های دانشگاهی توصیه می شود برای پاس
شدن در امتحانات به شیوه زیر عمل کنند: دو تار فیک بی
کلک یافته و قرار بگذارید سه نفری هم زمان در جلسه
امتحان سکنه کنید (جهت مظلوم نمایی). تبصره: البته در
این مورد به هیچ وجه زیاده روی نکنید، در حد برگشت
فک کافی است. در نهایت دل استاد با دیدن این مصیبت
عظمی به رحم می آید. اگر چنان چه با این ترفند باز هم
نتیجه نگرفتید، پیشنهاد می کنم که در فضای مجازی
بچرخید. دیدن این همه سلبریتی که با مدرک های
زیرتی و قا قا لی لی در همه امور آنقدر راحت نظر می
دهند، اگر باعث کاهش دغدغه اخذ مدرک دانشگاهی
نشود پس به چه دردی می خورد؟

*دانشجویان جدید ورود: خردسالانی که هنوز به
استادشان آقا اجازه یا خانم اجازه می گویند! جزوه
نویسان با خودکار های رنگی! پرسه زندگان با دفتر های
جلد شده! از آن ها به عنوان ترمک یا ترمولک یاد می
شود.

*بخش آموزش: دخمه ای دل باز که با نیش باز واردش شده

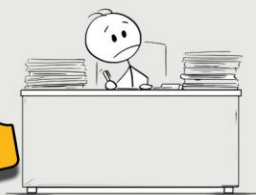
سفرهای انسان

یک کلام خوشبختی را برای
خودمان پایه گذاری کنیم.
همه ما کامیابیم. نگهداری و
استوار سازی آن بسته به همت
ماست.

زندگی هرکس سرشار از فراز و فرود هایی است
که آینده او را می سازد، همین فراز و فرود ها
یکی را به عرش می رساند و دیگری را به
فرش. اینکه فراز و فرود زندگیمان سفر
زندگیمان را به چه سمتی سوق دهد، تحت اراده
ماست. یکی سفری را انتخاب می کند که سرشار
از عشق است؛ عشق به زندگی، عشق به خانواده،
عشق به حرفه و پیشه، عشق به دلبر و... و
دیگری طبق عادت گذار ایام روزمره می کند.
سفرهایی که انتخاب می کنیم ممکن است
در قسمتی از مسیر لبریز از گردنه باشد در حالی
که در قسمتی دیگر هموار هموار دیده شود،

اینکه در سفر به مقصد برسیم
بخشی از لذت زندگی است و
اینکه از مسیر لذت ببریم مهم
ترین قسمت و هدف اصلی آن.
بزرگترین افراد توسط همین
سفرهای زندگی بزرگ شده
اند، خارج از هر بحث و اتفاقاتی
که در جهان پیرامون اتفاق می
افتد بیایید کمی سکاندار سفر
زندگی خود باشیم، آن را راهبری
کنیم و به مقصد برسانیم و در





حسش نیست

د ۱ نشگاه

فرهنگیان تنها مکان کشور است که به طور خاص وظیفه

تربیت معلمان آینده را به عهده دارد. همه جوامع پیشرفته و توسعه یافته، تمام

دستاوردهای خود را مدیون تلاش های بی وقفه و خالصانه معلمان می دانند و جالب اینکه

همانطور که جایگاه معلم درین کشورها از نظر اجتماعی و رفاهی و اقتصادی بسیار بالا و جالب توجه است؛

فرآیند ورود به این عرصه هم چندین برابر دشوار تر و سخت تر از کشور های در حال توسعه مثل ایران است. گزینش

های دشوار و جدی، آزمون های چند مرحله ای، شخصیت شناسی فرد به وسیله ی روش های روانشناسی خاص، ارائه ی

مدارک کارشناسی و گواهینامه های دوره های مختلف با بالاترین نمره و... تنها نمونه های کوچکی از شرایط ورود به عرصه معلمی در

کشور های آلمان، کانادا و ژاپن است. متأسفانه در کشور ما، معلمان علاوه بر آنکه از جایگاه اجتماعی و اقتصادی شایسته ای برخوردار

نیستند (که این بحث نیازمند مجالی دیگر است)؛ برای ورود به این عرصه راه دشواری را طی نکرده اند به عبارتی دیگر با نیم نگاهی به رتبه

های کنکور سراسری دانشجو معلمان در می یابیم که معلم شدن در ایران به نسبت دیگر جوامع از ساده ترین کارهاست که از عهده ی هر فردی

با سطح علمی متوسط و حتی پایین، بر می آید به طور کلی مسیر ورود به عرصه آموزش و پرورش در کشور ما دارای فرآیند معیوبی است که

دانشجویانی اغلب نخوت زده و کسل، بدون تلاش و پشتکار در زمینه علمی و انسان های مبتنی بر فلسفه "حسش نیست" خروجی آن هستند. در

اولین مرحله گزینش که برای ورود به دانشگاه فرهنگیان مهمترین عامل رتبه کنکور است. جالب است که کنکوری که خود هنور مورد تایید

کارشناسان نیست، می شود تاثیرگذارترین عامل انتخاب آموزگاران یک کشور! از دیگر سو با یک ارزیابی سطحی از دیگر دانشگاه ها مانند:

دانشگاه آزاد، دانشگاه های دولتی، امام صادق (ع) تهران و حتی علمی کاربردی این نکته روشن می شود که پردیس های دانشگاه فرهنگیان

از نظر سواد اساتید و امکانات تحصیلی و پژوهشی و رفاهی نشریات و مقالات و... در سطح بسیار پایین تری قرار دارند که این عامل هم

مزید بر علت در بی انگیزگی و روحیه ساکن دانشجو معلمان است. علاوه بر گزینش و شرایط پردیس ها که به تفضیل ذکر شد؛

تضمین بی قید و شرط شغلی (خصوصاً برای پسران) باعث ایستایی و عدم تحرک است. سال هاست که طرح گرینش ثانویه

یا همان آزمونی که بعد از اتمام دوره ی چهارساله از دانشجو معلمان باید گرفته شود روی زمین مانده است عدم

اجرای این طرح باعث می شود که دانشجو معلمان بعد از ورود به دانشگاه فرهنگیان همه چیز را تمام

شده ببینند. با اجرای این طرح حداقل می توان کمی از این جو مسموم و بی تفاوت پردیس

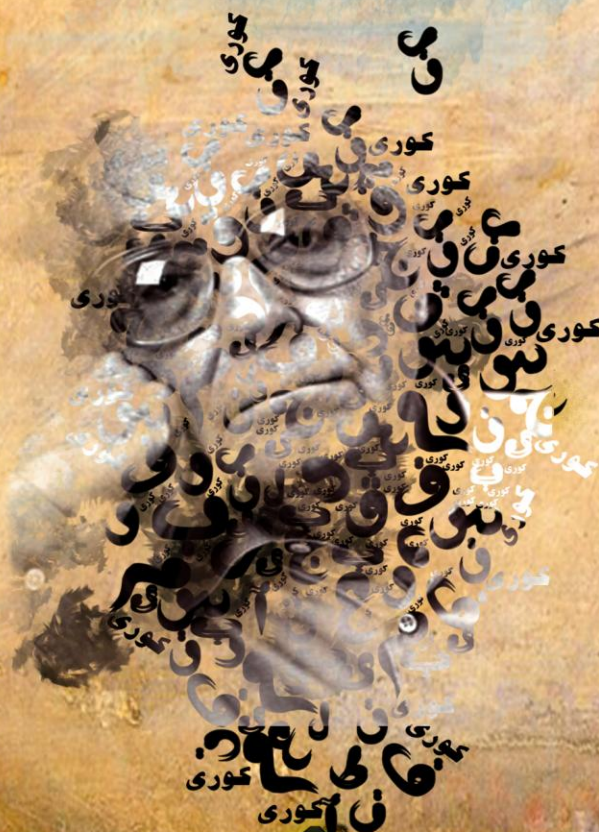
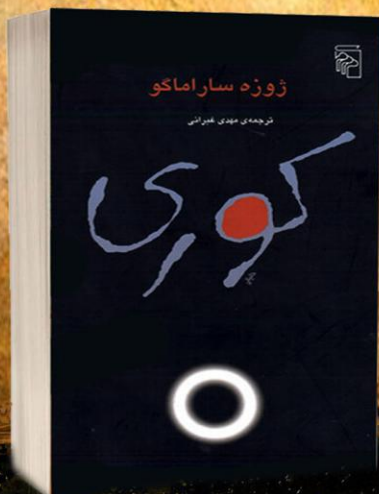
ها را تغییر داد. به امید روزی که جای این بی تفاوتی به علم و پژوهش

را؛ شوق و اشتیاق بگیرد

یک جرعه کتاب

مردی که پشت چراغ قرمز منتظر سبز شدن چراغ ایستاده است و به طرز عجیب و کاملاً ناگهانی بینایی خود را از دست می دهد. همه چیز را سفید می بیند... بله کوری سفید! انگار که در دریای شیر غرق شده باشد. انسان ها، یکی یکی بینایی خود را از دست می دهند و همه دچار همان کوری سفید می شوند. علت این بیماری ناشناخته می ماند و پزشکان قادر به آوردن توجیهی برای آن نیستند. انسان ها به طور ناگهانی کور می شوند. به تدریج سایه کوری در تمام کشور گسترده می شود و هرج و مرج همه جا را فرا می گیرد... چرا ما کور شدیم؟ + فکر نمی کنم که ما کور شدیم، فکر می کنم که ما کور هستیم، کور اما بینا، کور هایی که می توانند ببینند اما نمی بینند! انسان هایی با دنیای شیری، دیده هایی که بر حقیقت بسته شده اند، مردی که کور است، دختری که عینک دودی دارد، پسری که لوچ است، و پیرمردی که چشم بند سیاه زده!

کوری اثر ژوزه سارا ماگو
برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸



۲۵ توصیه

توصیه‌های رهبر انقلاب به دانشجویان

مطرح شده در دیدار رمضان ۱۳۹۱



۳ شرح صدر سیاسی داشته باشید



۴ با اقشار مختلف جامعه در ارتباط باشید



۹ مراقب نگاه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی باشید



۱۰ ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید



۱۲ جریان دانشجویی موضوع انتقادی خودش را حفظ کند



۲ با قرآن و نوشته‌های شهید مطهری و دیگر فضلا، معرفت دینیتان را بالا ببرید



۵ نظرات خود را به دستگاه‌ها ارائه کنید و موضع‌گیری کنید



۸ نسبت به اوضاع کشور نقد مستمر و منصفانه داشته باشید



۱۱ با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام ارتباط داشته باشید



۱۳ به اوضاع کشور نگاه مستفسرانه داشته باشید



۱ نیروی جوانی خود را کشف کنید



۶ از قول بدون علم پرهیزید



۷ بدنبال قله‌های علمی باشید



۱۴ اعلام نظر کارشناسی متفاوت با رهبری، مخالفت با رهبری به حساب نیاید



۱۹ امید را در خود زنده نگه دارید



۱۵ محیط دانشگاه باید پاکیزه و معنوی باشد



۱۸ در مسائل اجتماعی موضع‌گیری کنید



۲۰ در تصمیمات مصطلحتها را در نظر بگیرید



۲۳ از تصمیمات نسنجیده پرهیز کنید



۲۴ آرمانگرایی را در دانشگاه زنده نگه دارید



۱۶ کانون‌های تصمیم و اقدام تشکیل دهید



۱۷ مراقب رقابت بر سر پست و مقام باشید



۲۱ سقف معرفت خود را سایتها و روزنامه‌ها قرار ندهید



۲۲ آرمانگرایی را با پراخگرایی اشتباه نگیریم



۲۵ در تصمیم‌گیری‌ها مطالعه عالمانه داشته باشید